

# غیرنظامی کردن دریای خزر گامی در مسیر توسعه همکاری‌های منطقه‌ای

جلیل روشندل<sup>۱</sup>

در این مقاله با توجه به اینکه محور اصلی بحث حوزه دریای خزر است لذا تمرکز ما بیشتر بر نیروهای استراتژیک، نیروی دریایی و نیروی هوایی کشورهای حاشیه خزر خواهد بود که می‌تواند با نیروی دریایی همکاری نزدیک داشته باشد و از پرداختن به وضعیت نیروی زمینی کشورهای مورد مطالعه خودداری خواهیم کرد. در مورد نیروی دریایی نیز بحث ما فقط محدود به آن بخش از نیروی دریایی می‌شود که با در دریای خزر مستقر است و با به‌طور بالقوه می‌تواند در این منطقه تأثیر داشته باشد. بنابراین توان دریایی کشورها در خارج از دریای خزر مورد بحث نخواهد بود.

## مقدمه

کشورهای حوزه دریای خزر خیلی زودتر از آنچه که تصور می‌شد تبدیل به حوزه رقابت‌های بین‌المللی در زمینه‌های اقتصادی - سیاسی، و حتی اجتماعی شده‌اند. برخی کشورهای اروپایی که حتی دارای سوابق تاریخی مداخله و استعمار نیز هستند در زمینه فعالیت نظامی این حوزه پیشقدم شده‌اند. اخیراً دانشگاه لندن با همکاری دانشکده سلطنتی نظامی انگلستان به منظور بررسی مسائل امنیتی حوزه دریای خزر یک جلسه کاری دوروزه<sup>(۱)</sup> در یکی از شهرهای حومه لندن برگزار نمود. یکی از موضوعات اصلی طرح شده در این نشست قضیه به اصطلاح معماری امنیتی دریای خزر در سال ۲۰۰۰ بود.<sup>(۲)</sup>

تعیین یک رژیم حقوقی مقدم بر سایر مسائل حوزه دریای خزر ضروری‌ترین اقدامی است که در این حوزه باید انجام شود. نگارنده قصد ندارد در این مورد بحث جدیدی را مطرح نماید<sup>(۳)</sup>، ولی تأکید بر یک نکته را قبل از ورود به مطلب ضروری می‌دانم و آن عبارت است از اینکه حوزه دریای خزر نسبت به دستکاری‌های آشکار و پنهان قدرتهای خارجی حساس است. بویژه دولتهای تازه استقلال یافته بخاطر نگرانی که نسبت به موجودیت سیاسی و تمامیت

۱. دکتر جلیل روشندل محقق مسائل نظامی و استراتژیک دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی است.

ارضی خود دارند، - و شایسته است که این نگرانی کاملاً مورد توجه قرار گیرد - احتمال دارد مانند برخی از دولتهای کوچک منطقه خلیج فارس به سادگی تحریک و برخی سیاستهای منطقه‌ای را در راستای منافع خود به حساب نیاورند و یا حتی آن را در شرایطی علیه خود و تهدیدی نسبت به خود تلقی کنند.

مقاله حاضر با توجه به احتمال وجود چنین حساسیتهایی و همچنین با توجه به امکان تحریک‌پذیری کشورهای حوزه دریای خزر از محیط خارج حوزه، وضعیت نظامی این کشورها را مورد توجه قرار داده و نگارنده به خود اجازه داده است پیشنهادهایی را در جهت حفظ توازن و عدم خروج از وضعیت صلح‌آمیز کنونی مطرح نماید. امید است گام کوچکی در جهت حفظ صلح و امنیت حوزه جدید بحر خزر برداشته شده باشد و دولتهای این حوزه به آنچه که پیش از همه نیاز دارند یعنی آرامش و امنیت دسترسی بیابند تا در سایه آن بتوانند از منابع و ظرفیتهای خود برای نیل به توسعه و نیکیبختی حداکثر استفاده را بنمایند.

در این مقاله با توجه به اینکه محور اصلی بحث حوزه دریای خزر است لذا تمرکز ما بیشتر بر نیروهای استراتژیک، نیروی دریایی و نیروی هوایی کشورهای حاشیه خزر خواهد بود که می‌تواند با نیروی دریایی همکاری نزدیک داشته باشد و از پرداختن به وضعیت نیروی زمینی کشورهای مورد مطالعه خودداری خواهیم کرد. در مورد نیروی دریایی نیز بحث ما فقط محدود به آن بخش از نیروی دریایی می‌شود که یا در دریای خزر مستقر است و یا به‌طور بالقوه می‌تواند در این منطقه تأثیر داشته باشد. بنابراین توان دریایی کشورها در خارج از دریای خزر مورد بحث نخواهد بود.

در این مقاله سعی بر این است که وضع موجود را تشریح، سپس با ارائه پیشنهادهایی به وضع مطلوب پردازیم. به علت اینکه دیگر پژوهشگران در خصوص وضعیت حقوقی دریای خزر مباحث مختلفی را مطرح کرده‌اند لذا از ورود به آن مبحث خودداری می‌کنیم. در خصوص پیشنهادها نیز اعتقاد داریم در برابر هر تغییری مقاومت‌هایی می‌شود. دلایل آن متعدد ولی قابل درک است. صرفاً بخاطر مقاومت در برابر تغییر و یا خواست تغییر نباید مأیوس شد. تا وضع مطلوب پیشنهادی از ابعاد مختلف مورد بحث و گفتگو قرار نگیرد امکان عملیاتی شدن آن وجود ندارد. بنابراین باید باب گفتگو و تبادل نظر باز باشد تا پیشنهادی جنبه تحقق پیدا کند.

## جمهوری آذربایجان

این جمهوری که در ناحیه قفقاز قرار گرفته با کشورهای روسیه، گرجستان، ارمنستان و

ایران، هم‌مرز و یکی از کشورهای است که با چهار کشور جمهوری اسلامی ایران، ترکمنستان، قزاقستان و روسیه بر سفره دریای خزر قرار دارد. جمعیت این کشور در حدود ۷/۶ میلیون نفر است و از اقوام آذری، تالشی، داغستانی، و ... تشکیل شده است.

این جمهوری از زمان استقلال خود (و حتی قبل از استقلال و در زمانی که جزئی از اتحادشوری سابق محسوب می‌شد) با جمهوری ارمنستان بر سر ناحیه قره‌باغ کوهستانی (ناگورنو قره‌باغ) درگیر منازعه‌ای مسلحانه شده و در نتیجه حدود ۲۰ درصد از خاک جمهوری آذربایجان در اشغال نظامی نیروهای مسلح ناگورنو قره‌باغ که مخالفین سیاسی - نظامی جمهوری آذربایجان به حساب می‌آیند، قرار دارد. تعداد این نیروها براساس تخمین مؤسسات تحقیقاتی حدود ۲۸۰۰۰ نفر است. (۴) (۲۰۰۰ نفر از این تعداد را اهالی ناحیه ناگورنو قره‌باغ و ۸۰۰۰ نفر آنان را ارامنه داوطلب خارج از ناحیه تشکیل می‌دهند).

### نیروی دریایی

تعداد نفرات نیروی دریایی جمهوری آذربایجان ۲۲۰۰ نفر گزارش شده که مقر و تنها پایگاه آن فعلاً بندر بادکوبه (باکو) است. البته این جمهوری به‌عنوان یکی از اعضای کشورهای مشترک‌المنافع مستقل (CIS)، از نیروی دریایی خود تحت نظارت روسها استفاده می‌کند. مع‌هذا این کشور دارای ۳۴ واحد دریایی و گارد مرزی است که از ناوگان کوچک دریای خزر شوروی سابق (۵) باقی مانده است. ظاهراً عمده مأموریت این سازمان حفاظت و نگاهبانی از سواحل جمهوری آذربایجان است.

### نیروی هوایی

نیروی هوایی جمهوری آذربایجان با حدود ۱۱۲۰۰ نفر پرسنل از ۴۶ فروند هواپیمای جنگی تشکیل شده است. این کشور دارای ۴ اسکادران هواپیما است که ۳۰ فروند آن از نوع میگ - ۲۵، ۷ فروند سوخوی - ۲۴، دو فروند سوخوی ۱۷، دو فروند سوخوی ۲۵، ۵ فروند میگ ۲۱ و ۵۲ فروند هواپیمای آموزشی از نوع L29 (دلقین) ساخت چکسلواکی می‌باشد. علاوه بر اینها نیروی هوایی جمهوری آذربایجان دارای یک اسکادران هلی‌کوپتر متشکل از ۷ فروند Mi-2، ۱۳ فروند Mi-8 و ۱۸ فروند Mi-24 است. نیروی هوایی این کشور به ۱۰۰ فروند موشک سام ۲، ۳ و ۵ نیز مجهز است. احتمالاً این نیرو در سالهای اخیر به حجم نفرات و تا حدودی نیز به تجهیزات خود افزوده است، چرا که آمارهای سالهای گذشته عمدتاً در مورد نفرات رقم کمتری (۳۰۰۰ نفر را مثلاً در سال ۱۹۹۴ را گزارش کرده‌اند). (۶)

## سایر نیروها

نیروهای غیرنظامی (میلیشیا) جمهوری آذربایجان که ظاهراً توسط وزارت کشور اداره می‌شوند بالغ بر ۲۰۰،۰۰۰ نفر به‌اضافه جبهه ملی (دفاع مردم قره‌باغ) است که تعداد آنها را نیز حدود ۲۰۰۰۰ نفر تخمین زده‌اند. مجموعه نیروهای مسلح جمهوری آذربایجان ۵۶،۰۰۰ نفر و دوره خدمت نظام وظیفه ۱۷ ماه است که می‌تواند برای نیروی زمینی افزایش یابد. نیروی زمینی ۴۹۰۰۰ نفر از مجموعه نیروهای مسلح این کشور را در اختیار دارد و این امر نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری جمهوری آذربایجان عمدتاً در نیروی زمینی است.

اینکه آیا جمهوری آذربایجان نیاز به گسترش نیروی دریایی دارد یا نه خود نیازمند بحث است. به‌نظر نگارنده حوزه دریای خزر حوزه‌ای بسته و مستقل و در عین حال منحصر به فرد است. بر هیچ سفره‌آبی بسته دیگری این همه کشور قرار نگرفته‌اند. در این حوزه الزام جغرافیایی همکاری و همزیستی را نیز الزام‌آور کرده است. هرگونه حرکت نظامی در جهت تغییر وضع موجود می‌تواند سایر کشورها را به سرمایه‌گذاری نظامی بیشتر تحریک کند. در حالی که واقعاً افزایش توانایی‌های نظامی نه تنها مشکلی را حل نخواهد کرد بلکه کشورهای منطقه را به رقابت و مسابقه تسلیحاتی وادار خواهد کرد. در حال حاضر حجم نیروهای نظامی آذربایجان نسبت به جمعیت آن نامتناسب و بالا است و البته منازعه قره‌باغ تا حدودی این امر را توجیه می‌کند.

ذکر یک نکته دیگر ضروری است که در حال حاضر تنها تهدید بالفعلی که متوجه جمهوری آذربایجان است از ناحیه قره‌باغ و از ناحیه جمهوری آذربایجان است. در منازعه قره‌باغ چیزی حدود ۲۸،۰۰۰ نفر (۲۰۰۰۰۰ نفر نیروهای مسلح ناگورنوفره‌باغ و ۸۰۰۰۰ نفر داوطلب از ارمنستان) در مقابل نیروهای جمهوری آذربایجان صف‌آرایی کرده‌اند. به‌غیر از آن تهدید نظامی قابل ملاحظه‌ای دیگری متوجه این جمهوری نیست و به همین جهت در صورت تحقق صلح و آرامش در قره‌باغ طبعاً سرمایه‌گذاری نظامی بیشتر برای این جمهوری فقط به معنی هدر دادن منابع اقتصادی در راه تهدیدات غیرواقعی خواهد بود. در حالی که غیرنظامی کردن دریای خزر می‌تواند این منابع را در جهت توسعه کشورها هدایت کرده و موجبات حرکت به سوی توسعه اقتصادی را فراهم سازد. علاوه بر آن از جهت محیط‌زیست نیز تأثیرات مثبتی خواهد داشت.

## جمهوری ترکمنستان

به لحاظ جغرافیایی در نقطه مقابل آذربایجان و در شرق دریای خزر همسایه شمال شرقی جمهوری اسلامی ایران، کشور ترکمنستان قرار گرفته که جمعیت آن حتی از جمهوری

آذربایجان هم کمتر و در حدود ۴ میلیون نفر است. بیش از ۲۰ درصد از این جمعیت را غیر ترکمنها تشکیل می‌دهند، (روسها ۱۰ درصد، ازبکها ۹ درصد و قزاقها ۲ درصد)، که با توجه به جمعیت کم این کشور، رقم جمعیت غیر ترکمن آن جای ملاحظه باقی می‌گذارد. مسائل جمعیت ترکمنستان کنترل مشترک ارتش این کشور توسط روسیه و ترکمنستان را توجیه می‌کند. ارتش زمینی ۲۸،۰۰۰ نفری ترکمنستان تحت فرماندهی مشترک روسیه و ترکمنستان عمل می‌کند. به واقع نیز برای ترکمنستان کوچک و محصور از کلیه جهات جغرافیایی توسط همسایگان بزرگ، ایجاد نیروهای مسلحی که بتواند در برابر تجاوز خارجی دفاع مطمئن و قابل اتکا انجام دهد شدیداً مورد تردید است. سناریوی مطلوب برای این کشور داشتن تشکیلات محدودی است که بتواند در مقابل گروههای راهزن مهاجم که در قلمرو حقوقی هیچ حکومتی قرار ندارند ایستادگی کند.<sup>(۷)</sup> به عبارت دیگر ترکمنستان دست‌کم در شرایط فعلی قادر نیست از خود نیروهای دفاعی قابل اتکایی را داشته باشد که بتوانند در جنگ با یک دولت دیگر مقابله کنند.

### نیروی هوایی

مجموعه تجهیزات و امکانات و قوایی که تحت عنوان نیروی هوایی در ترکمنستان گردهم آمده‌اند بسیار ناچیز است. این کشور فقط ۱۷۴ فروند هواپیمای جنگنده به‌اضافه یک هنگ جنگنده مجهز به ۶۰ فروند هواپیمای سوخو - ۱۷، ۲ فروند میگ ۲۹U و ۲۲ فروند میگ ۲۲ دارد.

در نیروی آموزشی هوایی یک واحد مجهز به ۳ فروند سوخوی 7B (موسوم به فیترا<sup>۱</sup>)، ۴۸ فروند میگ ۲۱ و ۲ فروند L-39 (آلباتروز<sup>۲</sup>) ساخت چکسلواکی سابق، ۸ فروند Yak-28 و ۳ فروند آنتونوف ۱۲ دیده می‌شود.

در دفاع هوایی دو گروهان مشتمل بر ۱۰ فروند میگ ۲۳، و همچنین ۵۰ فروند موشک زمین به هوای سام ۳،۲ و ۵ وجود دارد. ۱۷۲ فروند میگ ۲۳ و ۴۶ فروند سوخوی ۲۵ نیز به صورت ذخیره نگهداری می‌شود.

### نیروی دریایی

در حال حاضر ترکمنستان فاقد نیروی دریایی مستقل است ولی تمایل خود را برای

ایجاد یک نیروی دریایی و گارد ساحلی اعلام کرده است. البته لازم است گفته شود که ناوگان کوچک دریای خزر روسیه تحت فرماندهی روسیه برای حفاظت از منافع مشترک روسیه، قزاقستان و ترکمنستان در آستراخان (هشترخان یا حاجی طرخان) مستقر است و در واقع نیاز دریایی ترکمنستان را تأمین می‌کند.

## قزاقستان

بی‌تردید قزاقستان یکی از مهمترین کشورهایی است که از شوروی سابق جدا شده و پس از استقلال در سال ۱۹۹۱ تاکنون به سرعت ولی با مشکلات فراوان پروسه دولت و ملت‌سازی را طی می‌کند. این کشور که به لحاظ اقتصادی و منابع زیرزمینی می‌تواند در صورت تحقق برخی شرایط به یکی از کشورهای غنی منطقه تبدیل شود دارای جمعیتی قریب ۱۷/۵ میلیون نفر است. اما اولین مشکل این کشور از ترکیب بسیار شکننده جمعیت آن ناشی می‌شود چرا که تنها ۴۲٪ از جمعیت کشور قزاق و ۳۷٪ آن روس است. سایر اقوام و نژادها در اقلیت کامل قرار دارند: اوکراینی‌ها و آلمانی‌ها هریک ۵٪ و ازبکها و تاتارها نیز هریک فقط ۲٪ جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند.

درصد بالای جمعیت روس در قزاقستان خودبه‌خود در سهم مستقیم و غیرمستقیمی که روسها در ارتش این کشور دارند تأثیرات انکار ناپذیری دارد. ارتش دارای ۴۰۰۰۰ نفر نیرو است ولی هیچ اطلاعی از درصد روس‌تباران در این نیروی نسبتاً قابل ملاحظه (در مقایسه با سایر کشورهای حوزه دریای خزر به‌غیراز روسیه و ایران) در دست نیست. ۲۵،۰۰۰ نفر از این تعداد در نیروی زمینی و ۱۵،۰۰۰ نفر آن در نیروی هوای خدمت می‌کنند.

قزاقستان علاوه بر نیروی متعارف دارای نیروهای استراتژیک هسته‌ای است که تحت کنترل روسها در خاک قزاقستان حضور دارند ولی در اجرای پیمان «استارت - ۱» این نیرو با کمکهای اقتصادی غرب و ژاپن در شرف تحول و کاهش است. در سال ۱۹۹۴ تعداد موشکهای بین‌قاره‌ای مستقر در ۲ سایت قزاقستان به ۹۲ فروند می‌رسید. علاوه بر آن تخمین زده می‌شد که ۶ فروند بمبافکن استراتژیک Tu-95G که احتمال می‌رفت فاقد کلاهک اتمی باشند نیز در خاک این کشور مستقر باشد.

## نیروی دریایی

قزاقستان فاقد نیروی دریایی است. تشکیل یک نیروی دریایی اعلام شده ولی هنوز از

چگونگی آن اطلاعاتی در دست نیست. این کشور نیز مانند سایر کشورهای حوزه دریای خزر از چتر حمایتی ناوگان کوچک دریای خزر روسیه برخوردار است که مقر آن در آستراخان می‌باشد.

### نیروی هوایی

یک لشکر هوایی، ۱۷۸ هواپیمای رزمی و ۴۸ فروند هلی‌کوپتر تهاجمی و همان‌طور که قبلاً گفته شد ۱۵۰۰۰ نفر نیروی هوایی قزاقستان را تشکیل می‌دهند. این نیرو از اجزای زیر تقسیم شده است:

یک هنگ جنگنده هوایی مجهز به ۱۴ فروند میگ ۲۹، ۹ فروند میگ ۲۹ از نوع UB، ۱۲ فروند میگ ۲۳ و ۴ فروند میگ ۲۳ از نوع UB. جنگنده‌های زمینی در سه هنگ سازماندهی شده‌اند که یکی از آنها مجهز به ۳۴ فروند میگ ۲۷، ۹ فروند میگ ۲۳ از نوع UB، دیگری دارای ۷ فروند میگ ۲۷ و ۶ فروند میگ ۲۳ از نوع UB و سومی دارای ۲۴ فروند سوخوی ۲۴ است. این نیرو همچنین از یک هنگ شناسایی متشکل از ۲۷ فروند هواپیمای میگ و سوخو بهره‌مند است. علاوه بر اینها یک هنگ مجهز به هلی‌کوپتر مسلح به اسلحه ضدتانک متشکل از ۴۸ فروند Mi-24، و یک هنگ متشکل از ۴۲ فروند هلی‌کوپتر حمل و نقل از نوع Mi-8 وجود دارد. در دفاع هوایی این کشور دارای ۳۲ فروند میگ ۳۱ و ۸۵ فروند موشک SA2, SA3, SA5 (زمین به هوا) می‌باشد.

علاوه بر نیروهایی که ذکر شد قزاقستان دارای یک واحد تحت عنوان گارد ریاست جمهوری است که تعداد نفرات آن به ۲۵۰۰ نفر می‌رسد و همچنین تخمین زده می‌شود حدود ۲۰،۰۰۰ نفر تحت نظارت وزارت کشور تحت عنوان نیروهای امنیت داخلی و ۱۲۰۰۰ نفر به عنوان مأموران گارد مرزی یا کمیته امنیت ملی تدارک دیده باشد.

در قزاقستان کمیته امنیت ملی موافقتنامه دوجانبه‌ای را در زمینه همکاری متقابل با کمیته امنیت ملی قرقیزستان امضا کرده و رئیس کمیته امنیت ملی اعلام کرده است که قراردادهای مشابهی با سایر جمهوری‌های مشترک‌المنافع امضا خواهد کرد.<sup>(۸)</sup>

ذکر این نکته در مورد تشکیل نیروهای مسلح کشورهای ترکمنستان و قزاقستان ضروری است و آن عبارت است از اینکه در این کشور نیروی مستقل ترکمن یا قزاق وجود ندارد و نمی‌تواند به‌سادگی ایجاد شود. این امر دلیل بسیار ساده‌ای دارد که احتمالاً به سیاستهای روسیه شوروی در دوران استالین برمی‌گردد. در هیچ‌یک از این دو کشور افسران بومی متخصص وجود ندارد که بخواهند تخصصهای نظامی را به دیگر شهروندان آموزش بدهند. به این ترتیب معلوم

می‌شود شوروی‌ها خواسته‌اند این کشورها را به لحاظ نظامی و دفاع کاملاً وابسته به خود نگهدارند و این میراثی است که اکنون روسها از آن بهره‌می‌برند. البته در بیلوروس وضع فرق می‌کند و یا حتی در جمهوری آذربایجان قضیه صورت دیگری دارد.

هنگامی که صورت حسین‌اف در جمهوری آذربایجان با برکناری ایلچی‌بیک کنترل کشور را در دست گرفت (۱۹۹۳) خود فرمانده نیروهای آذربایجان در ناگورنوقره‌باغ بود. وجود تخصصهای نظامی در سطوح افسری در جمهوری آذربایجان ناشی از استقلال این کشور در زمان پیوستن به اتحاد جماهیر شوروی (سابق) است. تصمیم غالب کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز برای پیوستن به جامعه کشورهای مشترک‌المنافع مستقل (CIS) بجای استقلال بی‌قید و شرط، بیشتر بر مبنای ملاحظات نظامی صورت گرفت تا سایر جنبه‌های مثلاً اقتصادی یا سیاسی. چرا که بسیاری از این کشورها فاقد دکترین نظامی تثبیت شده، زرادخانه کافی و یا صنایع نظامی مستقل و یا افسران مجرب نظامی هستند. در قفقاز به علت جنگ قره‌باغ این وضع کمی فرق می‌کند. ارمنستان به CIS پیوست تا از حمایت بیشتر نظامی روسیه در برابر آذربایجان برخوردار شود و به همین دلیل آذربایجان به قطع روابط با روسیه تلاش کرد.

در سالهای ۹۲-۱۹۹۳ ترکمنستان خواهان ایجاد یک ارتش مستقل ترکمن بود در حالی که روسها تمایل داشتند ارتش مشترک روسیه - ترکمنستان باقی بماند و علاوه بر آن روسهای ارتش ترکمنستان تحت حاکمیت حوزه قضایی روسیه باشند در حالی که نیازاف رئیس‌جمهور ترکمنستان آن را «تجاوز به وقار ملی» کشور خود تلقی می‌کرد و وعده می‌داد بزودی ۹۰٪ نیروهای مرزی را شهروندان ترکمن تشکیل خواهند داد. اکنون ترکمنها با پذیرش ضمنی اصل «تابعیت مضاعف» این مسئله را تا حدودی حل کرده‌اند. قزاقستان نیز از همان آغاز اشتراک منافع اقتصادی-سیاسی - نظامی را با روسیه تأیید و توانست به توافقهای مهمی دربارهٔ خلع سلاح اتمی و تضمین دفاع اتمی دست یابد.

## روسیه

فدراسیون روسیه ۱۴۸،۹۴۰،۰۰۰ نفر جمعیت دارد. درصد جمعیت غیرروسی نسبت به روسها بسیار اندک و فقط ۴٪ تاتار، ۳٪ اوکراینی، ۱٪ بیلوروس، ۱٪ مولداوی و ۱٪ مجموع دیگر جمعیتها هستند. با چنین جمعیتی مجموع نیروهای نظامی فعال روسیه ۱،۵۲۰،۰۰۰ نفر است که تقریباً ۴۰۰،۰۰۰ نفر آن از طریق سربازگیری تأمین می‌شود. با ملاحظه این ارقام می‌توان نتیجه‌گیری کرد که از هر صد نفر در روسیه فقط ۱/۱ نفر نظامی است. دوره نظام وظیفه ۲



سال است و زنها در صورت داشتن تخصصهای پزشکی می توانند داوطلب شوند. در حال حاضر نیز حدود ۱۶۰،۰۰۰ نفر نظامی زن در روسیه وجود دارد. نیروی احتیاط در روسیه ۲۰،۰۰۰،۰۰۰ نفر است که ۲،۴۰۰،۰۰۰ نفر آن طی پنج سال گذشته خدمت کرده‌اند.

به هر صورت روسیه زمانی یکی از دو ابرقدرت نظامی دنیا بود و اکنون نیز بعد از آمریکا بزرگترین قدرت نظامی است هرچند که اراده سیاسی برای اعمال چنان قدرتی را از دست داده باشد. بخش بسیار کوچکی از نیروهای این کشور در نتیجه استقلال پانزده جمهوری جدا شده از اتحاد شوروی سابق یا به صورت کنترل مشترک و یا به صورتهای دیگر در همان کشورها باقی مانده‌اند.<sup>(۹)</sup> آنچه که مورد نظر و بحث ما است نیروی هوایی و دریایی و همچنین نیروهای استراتژیک است.

### نیروهای استراتژیک هوایی

به طور خلاصه نیروی هوایی استراتژیک روسیه با ۱۹،۰۰۰ نفر و انواع تجهیزات بمباران هوایی در سه نقطه مسکو، اسمولنسک (غرب روسیه) و ایرکوتسک (متهالیه شرقی) مستقر است. دفاع هوایی استراتژیک این کشور نیز از ۲۱،۰۰۰ نفر تشکیل شده و از سیستمهای ضد بالستیک و سیستم اعلام خطر موشک دوربرد، کشف ماهواره‌ای موشکهای پرتاب شده و غیره است. این نیروها علاوه بر توان درگیری و هدایت می توانند اداره امور استراتژیک را در کلیه جهات جغرافیایی غرب و جنوب غربی، شمال شرقی و جنوب شرقی و تا حدودی در جنوب انجام دهند. هرچند سائتهایی که چین را تحت کنترل دارند از کار انداخته شده و غیر عملیاتی هستند.

### نیروی هوایی روسیه

نیروی هوایی روسیه ۱۷۰،۰۰۰ پرسنل دارد که نیمی از آن را سربازان وظیفه تشکیل می دهند. این نیرو تحت چهار فرماندهی سازماندهی شده که عبارت است از فرماندهی هوایی دوربرد متشکل از دو سپاه هوایی و چهار لشکر مجهز به حدود ۲۲۰ بمب افکن از جمله ۴۰ فروند توپولف 22 و ۱۷۰ فروند توپولف 26 فرماندهی هوایی خط مقدم، متشکل از شش سپاه هوایی با حدود ۷۷۵ فروند جنگنده از جمله ۵۰ فروند میگ ۲۷ و سوخوی ۱۷، ۵۲۵ فروند سوخوی ۲۴ و ۲۰۰ فروند سوخوی ۲۵، به علاوه آن ۶۲۵ فروند هواپیمای جنگنده که ۴۰۰ فروند آن از نوع میگ ۲۹ و ۱۴۰ فروند آن از نوع سوخوی ۲۷ است. این فرماندهی از حدود ۲۰۰ فروند

هواپیمای شناسایی شامل ۵۰ فروند میگ ۲۹ و سوخوی ۱۷ و همچنین ۱۵۰ فروند سوخوی ۲۴ استفاده می‌کند.

فرماندهی حمل و نقل هوایی در سه گردان سازماندهی شده که هر یک از سه هنگ و هر هنگ دارای ۳۰ فروند هواپیمای رزمی است. علاوه بر آن چند گروهان مستقل نیز در این فرماندهی وجود دارد. تجهیزات این فرماندهی حدود ۳۵۰ فروند هواپیما است که از انواع آنتونوف ۲۲، ۱۲۴ و همچنین حدود ۳۰۰ فروند دیگر از هواپیماهای توپولف 154، توپولف 134 و انواع آنتونوف تشکیل شده است. ۱۷۰۰ هواپیمای ناوگان مسافربری روسیه موسوم به آئروفلوت از جمله ۲۲۰ فروند آنتونوف ۱۲ و ایلوشین ۷۶ نیز در این فرماندهی سازمان داده شده‌اند.

فرماندهی آموزشی و ذخیره از دو قسمت آموزشی شامل ۶ آموزشگاه (که یکی از آنها به دانشجویان خارجی اختصاص دارد) تشکیل شده که مجموعاً از ۱۵۰۰ فروند هواپیما از جمله ۱۰۰۰ فروند L-39، ۳۰۰ فروند L-410 و TU134 و ۸۵ فروند میگ ۲۹ و سوخوی ۲۴، ۲۲ و ۲۷ بهره‌مند است. در قسمت رزرو ۶۰۰ فروند هواپیما از انواع میگ ۲۳ و ۲۷ و سوخوی ۱۷ و ۲۲ به اضافه ۲۰۰ فروند هواپیمای L-39 نگهداری می‌شوند.

### نیروهای دفاع هوایی

در دفاع هوایی ۲۰۵،۰۰۰ نفر که ۱۰۰،۰۰۰ نفر آن سرباز وظیفه‌اند در پنج سپاه دفاع هوایی، اسکادرانهای مستقل و هنگهای دفاع هوایی سازماندهی شده‌اند. این سازمان روی هم‌رفته ۱۲۰۰ فروند هواپیمای جنگنده و ۳۵۰۰ پرتاب‌کننده موشک زمین به هوا دارد.

### نیروی دریایی

در نیروی دریایی روسیه ۲۱۰،۰۰۰ نفر خدمت می‌کنند که به‌طور تقریبی ۴۰،۰۰۰ نفر سرباز وظیفه، ۱۳،۰۰۰ نفر نیروهای استراتژیک، ۳۰،۰۰۰ نفر نیروی هوادریا، و ۲۴،۰۰۰ نفر نیروی دفاع ساحلی در میان آنها وجود دارد. ۱۸۳ فروند زیردریایی (۴۵ فروند زیردریایی استراتژیک و ۱۳۸ فروند آن تاکتیکی هستند)، ۱۹ فروند زیردریایی با سوخت اتمی و پرتاب‌کننده موشک غیراتمی، ۴۹ فروند زیردریایی با سوخت اتمی و دیگر انواع کشتی‌های جنگی، ناوها و ناوبرها در این نیروی عظیم خدمت می‌کنند.

نیروهای دریایی روسیه در ناوگان اقیانوس منجمد شمالی، ناوگان بالتیک، ناوگان دریای

سیاه، ناوگان پاسیفیک و بالاخره ناوگان کوچک<sup>(۱۰)</sup> دریای خزر مستقر هستند. مشکل اصلی ناوگان چهارگانه روسها دوری مراکز دریایی کشور از یکدیگر است. اما ناوگان کوچک دریای خزر بیش از همه به ناوگان دریای سیاه و تا حدودی نیز به ناوگان بالتیک نزدیک است امکان جابجایی نیرو از دریای سیاه به دریای خزر بخاطر وجود خط ارتباطی رودخانه ولگا وجود دارد. گذشته از آن امکانات هوا - دریا به سادگی می تواند به این ناوگان کوچک منتقل شود.

پایگاه اصلی ناوگان کوچک دریای خزر در آستراخان روسیه است. در حقیقت این ناوگان بین جمهوری آذربایجان که ۲۵٪ آن را در اختیار دارد و روسیه، قزاقستان و ترکمنستان تقسیم شده است اما سه کشور اخیرالذکر ناوگان کوچک را تحت فرماندهی روسیه و فعلاً در بندر آستراخان مستقر کرده اند. اخیراً یلتسین دستوراتی در مورد تقویت این نیروی دریایی صادر کرده ولی از نتایج آن هنوز اطلاعی در دست نیست.

دو کشتی جنگی، ۱۲ کشتی گشت زنی و مدافع ساحلی، ۱۸ فروند کشتی اژدرافکن و حدود ۲۰ فروند شناور آبی - خاکی و حدود ۱۰ فروند شناور پشتیبانی در این ناوگان کوچک به کارگماشته شده اند.

روسها از نظر نیروی هوایی دریایی ضعیف هستند و ناوهای هواپیمابر آنها از نوع «کیف» و نوع کوچکتر آن موسوم به «موسکوا» در مقابل سوپرناوهای آمریکایی قابل قیاس نیستند. در تکنولوژی جنگ ضد زیردریایی عقب مانده اند اما ظرفیت مین گذاری شان بسیار زیاد است.<sup>(۱۱)</sup>

## جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران با حدود ۶۵ میلیون نفر جمعیت بعد از روسیه پُرجمعیت ترین کشور در حوزه دریای خزر است. با توجه به این که روند ملت سازی در این کشور هزاران سال پیش تکامل یافته است لذا صحبت از تنوع جمعیتی از آن چندان ضرورتی ندارد ولیکن نظر به اینکه در مورد سایر کشورهای حوه نیز چنین اطلاعاتی را داده ایم در این خصوص نیز لازم است گفته شود ملت ایران از گروههای قومی متنوع آذری، کرد، گیلک، بلوچ، عرب و ... تشکیل شده است.

ضروری است توضیح داده شود که تنوع قومی در میان ملل در حال تشکیل آسیای مرکزی یک نقطه ضعف است چرا که به علت نابسامانی و بلاتکلیفی سیاسی و عدم امنیت اقتصادی - نظامی و فقدان احساس یکپارچگی ملی هر یک از گروههای قومی مدعی مدیریت بهینه منافع خود هستند و لذا کشور مانند قایقی بر روی امواج متلاطم حرکت می کند. در حالی

که در کشورهایی که این پروسه را قبلاً پشت سر گذاشته‌اند و درجه پیوستگی و یکپارچگی ملی بالا است تنوع قومی موجب پویایی فرهنگی و تقویت تمدن کهن می‌شود. بنابراین در محاسبه تهدیدات به حساب نمی‌آید و در پاره‌ای موارد موجب دفع تهدید نیز می‌شود.

مجموع نیروهای مسلح فعال در جمهوری اسلامی ایران ۵۱۳،۰۰۰ نفر است و ۳۵۰،۰۰۰ نفر دیگر به صورت ذخیره وجود دارند که خدمت خود را در دوره‌های قبلی به پایان رسانده‌اند. نیروی زمینی دارای ۳۴۵،۰۰۰ نفر پرسنل نظامی است که ۲۵۰،۰۰۰ نفر آن از طریق سربازگیری تأمین می‌شود.

### نیروی هوایی

نیروی هوایی ایران از ۳۰،۰۰۰ نفر تشکیل شده که ۱۲،۰۰۰ نفر آن در دفاع هوایی خدمت می‌کنند. مجموعه هواپیماهای جنگی ایران حدود ۳۰۰ فروند است که در ۹ اسکادران دفاعی، و ۷ اسکادران جنگنده سازمان داده شده‌اند. هواپیماهای رزمی جمهوری اسلامی ایران از انواع مختلف F-4D/E, F-5E/F و انواع سوخو و میگ ۲۹ و همچنین تعدادی F-7 و F-14 تشکیل شده است.

هواپیماهای شناسایی از یک اسکادران FR-4E تشکیل شده و پنج اسکادران هواپیمای بوئینگ، کماندر و فالکون حمل و نقل هوایی این کشور را تشکیل می‌دهند. قریب ۵۰۰ فروند هلی‌کوپتر از انواع AB, Bell, CH و A و واحدهای هلی‌کوپتر را به وجود آورده‌اند.

موشکهای زمین به هوا و هوا به هوا این کشور از انواع ماوریک، اسپارو، سایدویندر و تعدادی موشک مناسب هواپیماهای میگ روسی از قبیل AA-11، AA-10 و AA-8 است. علاوه بر آن مؤسسات مطالعاتی غربی تخمین می‌زنند که ۱۲ گردان موشکی با ۱۵۰ موشک هاوک پیشرفته، ۵ اسکادران مجهز به ۳۰ فروند موشک از نوع Repier، ۱۵ فروند Tigercat، ۴۵ فروند موشک چینی Hq-2J (مشابه سام) و ۸۰ فروند FM چینی نیز وجود داشته باشد.

### نیروی دریایی

در نیروی دریایی ۱۸،۰۰۰ نفر خدمت می‌کنند که ۲،۰۰۰ نفر آن جزو نیروی هوادریا می‌باشند. مرکز فرماندهی نیروی دریایی در بندرعباس است. علاوه بر آن پایگاههایی در بوشهر، خارک، بندر انزلی، بندر امام خمینی، چاه‌بهار وجود دارد.

نیروی دریایی به دو فروند زیردریایی روسی از نوع کیلو SS مجهز به ۶ تیوپ مین افکن

۵۳۳ میلیمتری است (احتمالاً به طور کامل عملیاتی نیست). پنج فروند شناور جنگی و دو فروند ناوشکن مجهز به انواع موشکهای سطح به سطح و توپخانه و ۴۵ فروند شناور گشت‌زنی و رزمی از دیگر تجهیزات این نیرو است. ۳۳ فروند شناور ساحلی از جمله ۱۳ فروند هاورکرافت (که احتمالاً غالب آنها از کار افتاده است) و ۴ فروند شناور مین‌گذار، هشت فروند شناور آبی خاکی و ۲۳ فروند شناور پشتیبانی و متفرقه بخش دیگری از نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران را تشکیل می‌دهد.

در نیروی هوایی دریایی گروهان‌های جنگ ضد زیردریایی با ۹ فروند هلی‌کوپتر مسلح و یک اسکادران هلی‌کوپتر مشتمل بر انواع هلی‌کوپتر AB212 و SH-3D، ویژه جنگ ضد زیردریایی و همچنین یک اسکادران هلی‌کوپتر مین جمع‌کن از نوع RH-53-D در کنار سایر واحدهای هوادریا فعالیت دارند.

علاوه بر این سازمان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تحت فرماندهی مشترک با نیروی دریایی حدود ۲۰،۰۰۰ نفر را در جزایر سیری، لارک، فارسی و ... در گردانهای دریایی سازمان داده است که مجهز به ۴۰ فروند شناور سوئدی بوگامار مجهز به تسلیحات ضدتانک، پرتاب‌کننده‌ها و مسلسل‌های مختلف، عوامل کنترل و دفاع ساحلی مجهز به موشک و توپخانه می‌باشد.

البته هشت سال جنگ با عراق همراه با دشمنی‌های پنهان و آشکار ایالات متحده، طبیعتاً بسیاری از توانایی‌های نظامی را در جمهوری اسلامی ایران کاهش داده است که نیاز به ترمیم و جبران دارد. حتی در گزارشات و آمارهای مؤسسات بین‌المللی ناظر بر فعل و انفعالات تسلیحاتی غالباً اشاره می‌شود که برخی از تجهیزات موجود در ایران از کار افتاده و یا در حال تعمیر و بازسازی هستند.

نیروی دریایی مستقر در دریای خزر صرفاً یک پایگاه آموزشی تلقی می‌شود و اگرچه مانورهای جزئی در سالهای اخیر در دریای خزر انجام شده ولی هنوز یک پایگاه دریایی مجهز به توانایی‌های تهاجمی و حتی دفاعی به حساب نمی‌آید. استفاده از دریای خزر از زمان سلسه افشاریه در ایران به عنوان یک پایگاه آموزشی موسوم بوده است. نیروی کارآمد شمال به جنوب کوچ داده می‌شد تا ملوانی نیروی دریایی جنوب را برعهده گیرند<sup>(۱۲)</sup> ولی هیچ‌گاه شناورهای موجود در این دریاچه مأموریت نظامی تهاجمی مهمی انجام نداده‌اند.

## نتیجه گیری

خزر بزرگترین دریاچه جهان<sup>(۱۳)</sup>، صاحب انواع آبیان کمیاب و بهترین نوع خاویار جهان، اکنون سفره خود را بر مرزهای پنج جمهوری آذربایجان، روسیه، ترکمنستان، قزاقستان و ایران گسترده است. هریک از این کشورها نیروهای نظامی دریایی و هوادریایی خود را در سطح و سواحل این دریاچه بزرگ و دریای کوچک آراسته‌اند. ولی آیا واقعاً تهدیدی قابل تبیین و قابل درک در این حوزه وجود دارد؟ پاسخ به این سؤال تحت شرایطی مثبت و تحت شرایطی مطلقاً منفی است.

در زیر بستر دریای خزر منابع بسیار خوبی نهفته است. این منابع در صورت وجود یک نظام حقوقی معتبر و مورد اجماع پنج کشور می‌تواند به صورتی قانونمند و مورد رضایت اعضای پنج‌گانه این باشگاه دریایی مورد استفاده قرار گیرد و نیازهای اقتصادی کشورهای تازه استقلال یافته و همسایگان جدید دریا را تأمین کند. هرگونه بهره‌برداری قانونمند و با رعایت حقوق و ضوابط بین‌المللی پاسخ به سؤال فوق را در مورد وجود تهدید منفی خواهد کرد. باقی می‌ماند مسئله حفظ محیط زیست (که خود در صورت بهره‌برداری صنعتی و گسترده از منابع و نظامی شدن دریا دچار خطر خواهد بود) دریای خزر که می‌تواند دوستانه بین همسایگان حل و فصل شود. در سطح حفاظت از دریا نیز می‌توان به توافقات پنج‌جانبه رسید و با حذف عامل نظامی زمینه هرگونه عملیات پنهان و آشکار قدرتهای خارجی را منتفی کرد. برای تحقق این هدف بیش از هر چیزی تبادل نظر و گفتگو لازم است.

اما اگر پنج همسایه‌ای که می‌توانند چنین آسان از این منابع استفاده کنند دچار تک‌روی شده و هریک بخواهد بدون رعایت ضوابط و مقررات بازی بین‌المللی خود قواعد بازی را تعیین و به همسایگان تحمیل کند آنگاه است که می‌توان گفت متأسفانه تهدیدهای بالقوه در دریای خزر وجود دارد.

علی‌رغم حکومت ۷۰ ساله شوروی سابق، در دریای خزر، بجز دوران جنگ دوم جهانی و در سطحی محدود، هیچ‌گونه تقابل نظامی مهم رخ نداد. به همین جهت صف‌آرایی نیروها در سطح دریای خزر جنبه تهدیدکننده‌ای نداشت. هرچند که این صف‌آرایی در محیط اطراف، چه در همان دوران و چه هم اکنون، در سطوح تاکتیکی و استراتژیک حساس و خطرناک و در عین حال غیرضروری است و نیاز به بازنگری دارد. اگرچه در مورد مسائل نظامی خوشبینی از دیدگاه استراتژیک گناهی نابخشودنی است و نباید دچار آن شد مگر هنگامی که زمینه‌های اقدامات منفی و مخرب به کلی منتفی گردیده شبکه‌ای از تعهدات، پیمانها و قراردادهای به تحقق غیرنظامی شدن دریا کمک کرده باشد.

به هر صورتی که به حوزه دریای خزر نگاه کنیم نمی‌توانیم از اهمیت اقتصادی آن برای همسایگان پنج‌گانه غافل شویم. همین امر ضرورت حفظ صلح و آرامش را در این حوزه به امری حیاتی تبدیل می‌کند. مداخله‌های مستقیم و غیرمستقیم در امور کشورهای ساحلی خزر تاکنون آنان را از رسیدن به یک نظام حقوقی مؤثر و اجماعی مانع شده است در حالی که اندیشه سازماندهی صلح‌جویانه را هیچ‌یک از کشورها رد نمی‌کنند.

سازمان همکاری‌های دریای خزر به عنوان سازمانی که بتواند مسائل و مشکلات پنج کشور این حوزه را بررسی و برایشان راه‌حل قابل قبول بیابد وجود دارد و اگر به دور از مداخلات قدرتهای بیگانه فعال شود قادر خواهد بود دستاوردهای بسیار مثبتی داشته باشد.

به عنوان گامی در راه توسعه همکاری به همه کشورهای این حوزه توصیه می‌شود سعی خود را برای غیرنظامی کردن دریای خزر به کار ببرند. از هرگونه سرمایه‌گذاری نظامی در این حوزه خودداری و توجه خود را صرفاً به سمت و سوی غیرنظامی کردن دریای خزر معطوف دارند. با طرد تکروری و خودمحوری به اقداماتی بپردازند که منافع ملی و منطقه‌ای را تأمین و از طریق صلح به امنیت برسند. امنیتی که از طریق سرمایه‌گذاری نظامی به دست آید در درجه اول امکانات رشد و توسعه ملی را فنا خواهد کرد ضمن اینکه شکننده و بی‌دوام خواهد بود. بنابراین افزایش توانایی‌های نظامی فعلی در سطح دریای خزر به هیچ‌وجه توصیه نمی‌شود و حرکت در جهت کاهش آن قطعاً مفیدتر خواهد بود.

هم‌اکنون در سطح اروپا تفاهماتی تاریخی درباره نیروهای دریایی در شرف انجام است. کشورهایی با درآمدهای کلان سرانه ضمن داشتن سواحلی به مراتب وسیعتر و حساس‌تر سعی دارند از قبول مسئولیتهای نظامی دریایی شانه خالی کنند. در حالی که همین کشورها زمانی از پیشگامان قدرت دریایی و استعمار بوده‌اند. اکنون حتی گاردهای ساحلی برخی از کشورهای اروپایی به بخش غیرنظامی واگذار شده است. مثلاً گارد ساحلی هلند اخیراً به صورت یک سازمان غیرنظامی تجدید سازمان یافته ولی هنوز از یک مرکز عملیاتی نیروی دریایی استفاده می‌کند و یا گارد ساحلی آلمان که صرفاً یک سازمان غیرنظامی است.<sup>(۱۴)</sup>

شاید برای کشورهای حوزه دریای خزر بهترین الگوی اداره سواحل و آبهای ساحلی (به فرض تعیین رژیم حقوقی) در پیش گرفتن یک سیستم پاسداری از سواحل خود در دریای خزر از طریق یک تشکیلات جمعی دریایی باشد که البته می‌تواند از بدنه‌ای غیرنظامی ولی

آموزش‌هایی نظامی (همانند الگوی هلند) برخوردار باشد. چنین سیستم پاسداری از دریا قادر خواهد بود در چند محور زیر فعالیتهایی در جهت حفظ منافع هر پنج کشور دریای خزر انجام دهد:

۱. خط‌مشی مشترک در امور مربوط به شیلات؛ تنظیم مقررات و تعیین نحوه فعالیتهای شیلات در هر یک از کشورهای منطقه.

۲. راهزنی دریایی؛ البته اگر حوزه دریای خزر غیرنظامی باشد عملاً مسئله‌ای به نام راهزنی دریایی وجود نخواهد داشت ولی در هر حال امکان تهاجم انفرادی توسط افراد و گروههایی که معلوم نیست تحت حاکمیت قضایی کدام کشور باشند وجود دارد و تنها یک تشکیلات جمعی پاسداری از دریا قادر خواهد بود در مقابل آن بی‌طرفانه قانون را اعمال کند.

۳. قاچاق مواد مخدر و ثروتهای دریایی؛ سیستم پاسداری دریا کاملاً قادر خواهد بود علاوه بر مراقبت از منافع کشورها در برابر قاچاق مواد مخدر و قاچاق آبزیان و ثروتهای منحصربه‌فرد دریای خزر دفاع نماید. وظایف این سیستم می‌تواند به حوزه حفظ محیط زیست و مبارزه با قاچاق دریایی به‌خصوص ماهیان غضروفی و خاویار گسترش یابد.

۴. تروریسم دریایی؛ همان‌طور که در طی سالهای اخیر در روسیه و سایر کشورهای مستقل‌شده سابق شاهد بوده‌ایم. علمیات تروریستی به قصد کسب پول و منفعت به دفعات رخ داده است. «هر چند دریا حوزه ترجیحی تروریسم نیست، ولی خالی از تروریسم هم نبوده است»<sup>(۱۵)</sup> باتوجه به وقایعی که از زمان بسته‌شدن کانال سوئز تا دوران جنگ ایران و عراق سپس عراق و کویت در دریاها رخ داده ضرورت مراقبت از دریا در قبال عملیات تروریستی به خوبی احساس می‌شود.

در هر چهار زمینه‌ای که به‌طور خلاصه مورد اشاره قرار گرفت اقدامات مشترکی قابل انجام است. و سیستم پاسداری پیشنهادشده می‌تواند آنها را به بهترین نحو انجام دهد. پیش از آنکه محیط دریای خزر با اقدامات یک‌جانبه و انفرادی پنج کشور ذی‌نفع به نحوی دگرگون شود که تغییر آن به سادگی میسر نباشد، همین امروز باید نسبت به اقدامات مشترک برای تأمین امنیت از طریق توسعه اقدامات صلح‌آمیز در این حوزه کاری انجام داد. زیرا فردا خیلی دیر خواهد بود.



1. Workshop
2. The Caspian Region: Political Realignments, Energy Implications and New Security Architecture for the twenty-first Century.
۳. رجوع شود به مقاله آقای احمد حاجی حسینی در همین شماره تحت عنوان: مروری بر چشم‌اندازهای منطقه دریای مازندران در قرن ۲۱.
4. The military Balance 1994-1995, IISS London, Brassey, 1994, pp.81-82.
۵. Caspian Flotilla, این ناوگان مشتمل است بر یک فروند Petya-II FF, یک فروند OSA-II, دو فروند Stenka PFI, یک فروند Zhuk PCI, سه فروند Sonya MSC, دو فروند Yevgenya MSI و در حدود چهار واحد Polnochny LSM.
۶. کلیه آمارهای نظامی و جمعیتی این مقاله از Military Balance سالهای ۹۵-۱۹۹۴ و ۹۶-۱۹۹۵ گرفته شده است.
7. Haren Dawisha, Bruce Parrott, Russia and the New States of Eurasia, The Politics of Upheaval, Cambridge University Press, 1994, p.255
8. *Ibid.*, p.254. براساس اخبار پخش شده از شبکه رادیویی آلمانی (قزاقستان) در تاریخ ۹ ژوئیه سال ۱۹۹۲.
۹. برای اطلاع بیشتر در این مورد و حجم نیروهای زمینی و هوایی روسیه مستقر در منطقه رجوع شود به مقاله اوزمان تحت عنوان حضور نظامی روسیه در منطقه خزر در همین شماره مجله.
۱۰. در متون انگلیسی در مورد کلیه ناوگان روسی واژه Fleet را به کار می‌برند ولی در مورد ناوگان مستقر در دریای خزر واژه Flotilla به کار برده می‌شود. به همین دلیل ما نیز معادل ناوگان کوچک را برای آن به کار برده‌ایم.
11. Hugh Faringdon, Strategic Geography, NATO, the Warsaw Pact and the Superpowers, Second edition, Routledge, London and New York, 1989, p.112.
۱۲. ناخدا یکم دانه کار، «نیروی دریایی» ماهنامه صفت، خرداد ۱۳۶۹.
۱۳. در مورد مساحت دریای خزر نمی‌توان به ارقام مشابهی رسید فرهنگ دهخدا مساحت دریای خزر را ۳۹۶،۴۴۰ کیلومتر مربع ذکر می‌کند در حالی که دائرةالمعارف دانش بشری (امیرکبیر ۴۹-۱۳۴۶، ص ۱۰۵۰) آن را در سال ۱۹۳۰ برابر ۴۳۶،۳۴۰ کیلومتر مربع و در زمان چاپ دائرةالمعارف برابر ۴۲۴،۳۰۰ کیلومتر مربع می‌داند که به علت پایین بودن از سطح دریاها آزاد خشکیده است. در عین حال کتاب گیتاشناسی کشورها (چاپ اول ۱۳۶۲، ص ۶۱) آن را برابر ۴۲۴،۲۰۰ کیلومتر مربع ذکر می‌کند که احتمالاً از همان دائرةالمعارف گرفته شده است. منابع خارجی نیز رقم واحدی را ذکر نکرده‌اند از جمله رقم ۱۷۰،۰۰۰ مابین مربع در: Webster's New World Dictionary of American Language-1970 و رقم ۳۶۰،۰۰۰ کیلومتر مربع در: Petit Larousse en couleurs, 1988 آورده شده است. محیط دریاچه به نقل از دائرةالمعارف دانش بشری برابر ۶۲۸۰ کیلومتر است که ۹۹۲ کیلومتر آن در فاصله خلیج حسینقلی تا رودخانه مرزی آستارا قرار می‌گیرد.
14. Michael Pugh, Policing the Seas: The Challenge of Good Governance, in Gert de Nooy (Editor), The Role of European Naval Forces after the Cold War. Kluwer Law International, The hage/London/Boston, 1996, p.105.
15. Michael d'Oleon, Policing the Seas: The Way Ahead, in Gert de Nooy *op.cit.*, p.140.



پروشکاه علوم انسانی ومطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی